۲۵ سالگی پایان جنگ سرد در میانه جنگ روسیه علیه اوکراین

معمای گسترش ناتو

۲۷ می سال ۱۹۹۷ آغاز دورانی تازه در رابطه ناتو و روسیه بود. در چنین روزی سندی میان ناتو و روسیه با شعار بلندپروازانه «ناتو و فدراسیون روسیه در کنار یکدیگر صلحی پایدار خواهند ساخت» در پاریس به امضا رسید. اما ۲۵ سال بعد از آن روز و در ۲۷ می ۲۰۲۲ و در آغاز چهارمین ماه جنگ اوکراین، آن شعار به رؤیایی بربادرفته می‌ماند.

۲۷ می ۱۹۹۷، ژاک شیراک رئیس‌جمهور وقت فرانسه از بیل کلینتون و بوریس یلتسین همتایان آمریکایی و روس خود، در پاریس استقبال کرد. هم آمریکایی‌ها و هم روس‌ها موافق امضای «سند بنیان‌گذاری» برای بنیان‌گذاشتن یک عصر تازه بودند. دورانی که در آن به جای جنگ سرد و رقابت‌های خصومت‌آمیز، اهدافی همچون «تقویت روابط متقابل، همکاری‌ها و امنیت میان ناتو و روسیه» پیگیری می‌شد. متن سند نشان می‌دهد که سازمان نظامی آتلانتیک شمالی و پهناورترین کشور جهان، یکدیگر را دشمن نمی‌دانند. ناتو و روسیه متعهد شده بودند به «از بین بردن بقایای دوران رویارویی و رقابت» با ساختن «یک اروپای باثبات، صلح‌آمیز، تقسیم‌ناپذیر، کامل و آزاد و به نفع همه مردم»؛ حتی مسئله خودداری از «تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر و همچنین علیه هر کشور دیگر، احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی» کشورهای قاره اروپا. پس از امضای سند، بوریس یلتسین از برچیدن کلاهک‌های هسته‌ای خبر خبر داد که اعضای ناتو را نشانه رفته بودند.

عمر کوتاه «سند بنیان‌گذاری»

۲۵ سال بعد از امضای این سند، واژه‌هایی که از دو طرف شنیده می‌شود چندان به واژه‌های سند بنیان‌گذاری شباهت ندارد. اما این‌گونه هم نبود که تا زمان جنگ اوکراین همه چیز به خوبی سپری شده باشد. تقریبا یک سال پس از امضای سند بنیان‌گذاری، دو طرف در جنگ کوزوو دوباره در برابر یکدیگر ایستادند. مسکو از صرب‌ها حمایت و تهدید می‌کرد که اگر ناتو مداخله کند، این به منزله بازگشت دوباره جنگ سرد است. در ۲۶ مارس ۱۹۹۹، دو روز پس از اولین بمباران ناتو در یوگسلاوی، بوریس یلتسین از نماینده ناتو خواست که مسکو را ترک و همکاری نظامی را متوقف کند.

تنش‌ها ادامه پیدا کرد و حتی شعله‌ورتر شد؛ زمانی که سه عضو سابق پیمان ورشو یعنی مجارستان، جمهوری چک و لهستان به عضویت ناتو درآمدند. مسکو نسبت به پذیرش جمهوری‌های شوروی سابق هشدار می‌داد، اما ناتو در ۲۹ مارس ۲۰۰۴ سه کشور بالتیک یعنی استونی، لیتوانی و لتونی را به عضویت خود درآورد و مسیر خود را با افزودن بلغارستان، رومانی، اسلواکی و اسلوونی ادامه داد. سازمان ناتو در ادامه پیشروی‌های خود در آوریل ۲۰۰۸ درهای خود را برای پذیرفتن اوکراین و گرجستان و در هفته‌های اخیر بر روی سوئد و فنلاند باز کرد. به نوشته یورونیوز، ۲۵ سال پس از پایان رسمی جنگ سرد، آنچه مسلم است این است که صلح میان روسیه و غرب، در آن زمان، بیشتر آرمانی دور از دسترس بوده است تا واقعیتی ناشی از پیروزی ایدئولوژیک غرب بر کمونیسم روسی.

حمله روسیه به اوکراین به فرمان ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه هم با توجیه «گسترش ناتو به سمت شرق» آغاز شد. هرچند مقامات روسیه ازجمله پوتین ادعاهایی مبنی بر «نسل‌کشی» در شرق اوکراین یا «حذف نئونازی‌ها» را نیز در توجیه آغاز عملیات نظامی در خاک اوکراین مطرح کرده‌اند اما استدلال محوری آنها متمرکز بر گسترش ناتو به شرق و احتمال عضویت اوکراین در این پیمان نظامی است. هرچند گسترش ناتو به شرق ابعاد سیاسی، نظامی و ژئوپلیتیک زیادی دارد اما بُعد تاریخی آن ازجمله مسائلی است که در بحبوحه جنگ در اوکراین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

راستی‌آزمایی ادعای پوتین

سایه کشمکش بر سر آنچه واقعا بین مسکو و غرب در پایان جنگ سرد بر سر آن توافق شد، به اندازه هیچ مناقشه تاریخی دیگری در حدود سه دهه گذشته بر روابط روسیه و کشورهای غربی سنگینی نکرده است. پوتین گفته است که کشورهای غربی به شکلی «بی‌شرمانه» در زمینه گسترش ناتو به شرق بر سر روسیه «کلاه گذاشته‌اند». او ژانویه ۲۰۲۲ و چند هفته قبل از حمله به خاک اوکراین، هم‌زمان با صف‌آرایی نظامیان کشورش در مرز اوکراین و درخواست ضمانت‌های امنیتی خطاب به کشورهای غربی گفته بود: «شما به ما در دهه ۱۹۹۰ وعده دادید که ناتو حتی یک سانتی‌متر هم به شرق گسترش پیدا نخواهد کرد».

ادعایی که یکی از وزرای خارجه سابق فرانسه نیز آن را تأیید کرده است. «رولان دوما» وزیر خارجه فرانسه بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ پس از ترک مقامش گفته بود کشورهای غربی به مسکو تضمین داده بودند که نیروهای ناتو پس از اتحاد دو آلمان به قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق نزدیک‌تر نخواهند شد.

این در حالی است که جیمز بیکر، وزیر خارجه آمریکا بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲، می‌گوید چنین وعده‌ای به مقامات اتحاد جماهیر شوروی سابق داده نشده بود. با این حال روایت وزیر خارجه دولت جورج بوش پدر از سوی برخی از دیپلمات‌های آمریکایی رد شده است. برای مثال جک متلاک، سفیر وقت آمریکا در مسکو گفته است واشنگتن به مقامات اتحاد جماهیر شوروی سابق «اطمینان مطلق» داده بود که ناتو به سمت شرق گسترش نخواهد یافت.

روایت گورباچف

تناقض در روایت‌ها در زمینه وعده غرب به اتحاد جماهیر شوروی سابق مبنی بر عدم گسترش ناتو به شرق باعث می‌شود که روایت میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق اهمیت زیادی داشته باشد. او در سال ۲۰۱۴ هم‌زمان با بیست‌وپنجمین سالگرد فروپاشی دیوار برلین گفت که موضوع گسترش ناتو در زمان بحث بر سر اتحاد دو آلمان «اصلا مطرح نشد». او گفت: «حتی یک کشور شرق اروپا در آن زمان این موضوع را مطرح نکرد، حتی پس از حذف پیمان ورشو در سال ۱۹۹۱ هم این موضوع مطرح نشد. رهبران غربی هم بحث آن را مطرح نکردند».

آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق در عین حال بر این باور است که گسترش ناتو به شرق «اشتباهی بزرگ» و «نقض روح بیانیه‌های صادرشده و تضمین‌های داده‌شده» در سال ۱۹۹۱ محسوب می‌شود. استدلال عدم پایبندی به «روح» توافق‌های صورت‌گرفته پیش‌تر از سوی بوریس یلتسین، رئیس‌جمهوری پیشین روسیه نیز در نامه‌ای که در سال ۱۹۹۳ به بیل کلینتون، همتای آمریکایی خود نوشت مطرح شده بود. بوریس یلتسین در نامه خود نوشته بود که روح پیمان «توافق نهایی درباره آلمان» با «گزینه گسترش منطقه ناتو به شرق» منافات دارد. اهمیت نامه یلتسین از نظر تاریخی در این است که روسیه در آن برای اولین بار کشورهای غربی را به «عدم پایبندی به وعده‌شان» در زمینه گسترش ناتو به شرق متهم می‌کند.

روایت اسناد

ادعای جیمز بیکر مبنی بر اینکه تضمینی به عدم گسترش ناتو به شرق داده نشده بود، به همراه سخنان میخائیل گورباچف که از «نقض روح» بیانیه‌ها و توافق‌های صورت‌گرفته سخن می‌گوید، ابهام‌هایی را درباره آنچه واقعا در مذاکرات پس از فروپاشی دیوار برلین گذشت پدید می‌آورد. اسناد و مدارک زیادی از هیئت‌های نمایندگی بسیاری از کشورهایی که در گفت‌وگو بر سر وحدت آلمان غربی با آلمان شرقی شرکت داشتند به جا مانده است. این اسناد شامل یادداشت‌های به‌جامانده از گفت‌وگوهای انجام‌شده، صورت‌جلسه مذاکرات و گزارش‌های منتشرشده از گفت‌وگوها می‌شود.

بر اساس این اسناد و مدارک، کشورهای آمریکا، بریتانیا و آلمان غربی به کرملین اطمینان داده بودند که موضوع عضویت کشورهایی همچون لهستان، مجارستان و چکسلواکی در ناتو اصلا مطرح نیست. اسناد و مدارک به‌جامانده همچنین نشان می‌دهد که جان میجر، نخست‌وزیر وقت بریتانیا در جریان سفرش به مسکو در ماه مارس سال ۱۹۹۱ به مقامات اتحاد جماهیر شوروی سابق اطمینان داده بود که رویدادی مشابه عضویت لهستان، مجارستان و چکسلواکی در ناتو روی نخواهد داد.

گسترش مرز ناتو

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در سال ۱۹۹۱ شورای همکاری آتلانتیک شمالی (NACC) را در راستای همکاری با آن دسته از کشورهای اروپای شرقی که عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق یا پیمان ورشو بودند، ایجاد کرد. با این حال شماری از این کشورها از همان زمان به دنبال سطحی بالاتر از همکاری نظامی با کشورهای غربی بودند تا بتوانند امنیت خود را تضمین کنند. به این ترتیب لهستان، مجارستان و چکسلواکی (که مدتی بعد به جمهوری چک و اسلواکی تقسیم شد) در سال ۱۹۹۱ در بیانیه ویشگراد خواستار «نقش‌آفرینی کامل در نظام امنیتی اروپا» شدند.

از سوی دیگر، جنگ اول چچن در سال ۱۹۹۴ و ناآرامی‌های سیاسی در روسیه باعث شد که کشورهای شرق اروپا به‌ویژه کشورهای حوزه دریای بالتیک، در دهه ۱۹۹۰ به دنبال تضمین امنیت خود با حمایت غرب باشند. به این ترتیب کشورهای گروه ویشگراد به استثنای اسلواکی در سال ۱۹۹۷ به نشست ناتو در مادرید دعوت شدند و در نهایت دو سال بعد به عضویت این سازمان درآمدند. ناتو در نشست مادرید با روسیه نیز بیانیه‌ای امضا کرد که در آن آمده بود: «ناتو و روسیه یکدیگر را رقیب در نظر نمی‌گیرند». امضای این بیانیه از سوی مسکو در آن زمان در پایتخت‌های غربی به نشانه عدم نگرانی روسیه از ناتو و گسترش آن تعبیر شد؛ امری که باعث شد ۱۴ کشور اروپای شرقی به تدریج به ناتو ملحق شوند. در تنها پیمان رسمی‌ای که پس از فروپاشی دیوار برلین بین کشورهای عضو ناتو و اتحاد جماهیر شوروی سابق به امضا رسید، فقط آخرین اختلاف‌ها بین دو طرف درباره آلمان و اتحاد آلمان غربی با آلمان شرقی حل‌وفصل شد. کشورهای غربی در پیمان «توافق نهایی درباره آلمان» به اتحاد جماهیر شوروی سابق تعهداتی در زمینه عدم استقرار نیروهای غیرآلمانی عضو ناتو و سلاح‌های هسته‌ای در شرق آلمان (قلمرو آلمان شرقی) دادند. آنها تاکنون به این تعهدات خود پایبند بوده‌اند.

ریشه اختلاف

ریشه اصلی اختلاف‌ها بین روسیه و کشورهای غربی بر سر آنچه واقعا دو طرف در پایان جنگ سرد بر سرش به توافق رسیدند، این است که توافقی کتبی که ارزش اجرائی و حقوقی داشته باشد به امضا نرسید. تنها سند امضاشده همان پیمان «توافق نهایی درباره آلمان» با موضوع اتحاد دو آلمان است. پوتین نیز با اذعان به اینکه تضمین به عدم گسترش ناتو تنها به صورت شفاهی مطرح شده بود، به طور تلویحی از مقامات اتحاد جماهیر شوروی سابق ازجمله میخائیل گورباچف به دلیل عدم اخذ تضمین کتبی از کشورهای غربی انتقاد کرده است.

در این میان دو سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که کشورهای غربی چرا حتی به صورت شفاهی حاضر شدند تا وعده عدم گسترش ناتو به شرق را مطرح کنند؟ و دوم اینکه چرا مقامات اتحاد جماهیر شوروی سابق به دنبال اخذ وعده و ضمانت کتبی از غربی‌ها نرفتند؟

ایده تضمین به عدم گسترش ناتو به شرق را هانس دیتریش گنشر، وزیر خارجه وقت آلمان غربی که نقش مهمی در اتحاد دو آلمان داشت، پیگیری می‌کرد. او با توجه به تجربه دخالت‌های نظامی پیشین اتحاد جماهیر شوروی سابق بر این باور بود که احتمال دخالت نظامی مسکو در کشورهای اروپای شرقی هم‌زمان با سرنگونی حکومت‌های مورد حمایت اتحاد جماهیر شوروی سابق وجود دارد. وزیر خارجه وقت آلمان غربی به این ترتیب با طرح ایده عدم گسترش ناتو به شرق در تلاش بود تا از نگرانی‌های احتمالی مسکو در آن دوران پرتلاطم بکاهد و خطر مداخله نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق در کشورهای اروپای شرقی نیز کاهش یابد.

از سوی دیگر می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که میخائیل گورباچف هم‌زمان با طرح وعده به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای دیگر کشورها و حتی اشاره به احتمال عضویت اتحاد جماهیر شوروی در ناتو دیگر چندان لزومی به اخذ تضمین کتبی از کشورهای غربی برای عدم گسترش ناتو نمی‌دید. به این ترتیب اتحاد جماهیر شوروی سابق که در پایان سال ۱۹۹۱ فروپاشید، میراثی متناقض برای روسیه و رهبران آینده باقی گذاشت؛ زیرا از یک سو این باور را برای آنها پدید آورد که اگر گسترش ناتو به شرق برخلاف توافق‌های انجام‌شده در اوایل دهه ۱۹۹۰ نباشد، دست‌کم با «روح» آن در تضاد است. از سوی دیگر آنها از نظر حقوقی سندی کتبی و امضاشده از زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق برای اثبات ادعای خود در دست ندارند. این میراث متناقض اکنون پس از سه دهه تبدیل به قطعه‌ای از پازل جنگ در اوکراین شده است که بسیاری آن را یادآور دوران جنگ سرد می‌دانند.

برجام در احتضار

غلامرضا حداد
عضو هیئت‌علمی دانشگاه

رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، روز چهارشنبه در نشست کمیته روابط خارجی سنای آمریکا گفت: «پس از گذشت بیش از یک سال از گفت‌وگوها... زمان رو به اتمام است. ما توافقی با ایران نداریم و چشم‌انداز دستیابی به آن در بهترین حالت، ضعیف است». اگرچه حسین امیرعبداللهیان پنجشنبه در مصاحبه با فرید زکریا در داووس اظهار کرد که «ایران پنجره دیپلماسی را باز گذاشته و برای رسیدن به یک توافق خوب و پایدار، جدی و مصمم است»؛ اما شواهد نشان می‌دهد در یک سال گذشته، هیچ‌گاه تا این حد چشم‌انداز احیای برجام مبهم و دور از دسترس نبوده است. مرداد ۱۴۰۰ در یادداشتی برای «شرق» از بایسته‌های سیاست خارجی دولت سیزدهم در موضوع احیای برجام و ضرورت «مدیریت دشمنی» مبتنی بر ایده‌های «هانس مورگنتا» پدر رئالیسم کلاسیک نوشتم و در این یادداشت از تبیین چرایی وضع کنونی در مذاکرات احیای برجام مبتنی بر همان توصیه‌های مورگنتا می‌نویسم:

۱- مورگنتا دیپلماسی را در کنار موازنه قوا، کارآمدترین ابزار سیاست خارجی می‌داند، اما موفقیت در دیپلماسی در گرو رعایت قواعدی است. نخست اینکه «دیپلماسی باید از جنگاوری و مبارزات ایدئولوژیک به دور باشد». دیپلمات‌ها برخلاف نظامیان، نباید اسیر دوقطبی‌های خیر و شر باشند تا بتوانند حتی در میانه جنگی خون‌بار با نمایندگان دشمن بر سر یک میز بنشینند و امیدوارانه برای کاهش ابعاد خصومت و ظرفیت‌سازی برای دوستی و کسب بیشترین منافع با یکدیگر مذاکره کنند؛ اما نمایندگان دیپلماسی دولت سیزدهم، بنا بر دلایلی ساختاری نتوانستند از کالبد استکبارستیزی اصولگرایانه خود خارج شوند و از همان ابتدا با منعی خودساخته در مذاکره مستقیم با نمایندگان آمریکا -که کارگزاران اصلی در فرایند احیای برجام هستند- نه‌تنها دیپلماسی را همچنان مقهور مبارزات ایدئولوژیک نگه داشتند، بلکه ناگزیر از مذاکرات غیرمستقیم و با واسطه دیگران و مشخصا دولت روسیه شدند.

۲- «اهداف سیاست خارجی می‌بایست تابعی از منافع ملی بوده و با قدرت ملی حمایت شود». دولت سیزدهم نتوانست سیاست خود در موضوع احیای برجام را مبتنی بر مخرج مشترک منافع آحاد جامعه و تمامی جریان‌های داخلی تعریف کند، بلکه اقلیتی بیش از پیش توانستند ترجیحات خود را به سیاست خارجی تحمیل کرده و احیای برجام را مشروط به رفع موانع بین‌المللی خود کنند؛ درحالی‌که هزینه‌های چنین کارشکنی‌ای را آحاد جامعه با تحمل فشار تحریم‌ها می‌پردازند. این واقعیتی است که طرف‌های مذاکره نیز آن را به‌خوبی دریافته‌اند و امیرعبداللهیان در پاسخ به فرید زکریا با تأکید بر پرهیز از تقلیل موانع به «یک موضوع خاص» بر آن صحه گذاشت.

۳- «دیپلماسی باید از دیدگاه سایر دولت‌ها نیز به صحنه بنگرد» تا ترجیحات طرف‌های دیگر را درک و رفتارهای آنها را پیش‌بینی کرده و ترجیحات خود را متناسب با آن تنظیم کند. دولت دموکرات بایدن و تیم مذاکره‌کننده آن به ریاست رابرت مالی، برای ایران یک فرصت کم‌نظیر بود؛ چراکه در مجموعه جریان‌های سیاسی در درون آمریکا شاید دیگر نتوان مجموعه‌ای تا این حد متمایل به احیای برجام در دوران پساترامپ یافت، اما ایران نتوانست اقتضائات این جریان سیاسی در فضای سیاست داخلی ایالات متحده و نیز محیط بین‌المللی‌اش را درک کند. ایران از نتایج گذر زمان و تأثیری که فشارهای داخلی از طرف جمهوری‌خواهان و لابی یهود و نیز سنگ‌اندازی اسرائیل که بیشترین تأثیر را بر سیاست خاورمیانه‌ای دولت آمریکا دارد، غافل شد و هرچه زمان گذشت مزیت احیای برجام بیش از پیش برای دولت بایدن متأثر از این فشارها از دست رفت. حال هرقدر هم که ایران مدعی بازبودن پنجره دیپلماسی باشد، با نزدیک‌ترشدن به زمان انتخابات میان‌دوره‌ای، این پنجره از طرف آمریکایی بسته‌تر خواهد شد.

۴- «دولت‌ها باید برای «مصالحه» بر سر منافع «غیرحیاتی» آماده باشند». اولویت‌های دولت سیزدهم در مذاکرات مبتنی بر منافع حیاتی تعریف نشد؛ زیرا ترجیحاتی که سیاست‌ها را متأثر کردند، مبتنی بر تعریفی از «منافع حیاتی» شکل گرفتند که بر منافع آحاد جامعه متکی نبود. بازگشت به برجام ۲۰۱۵ و رفع کامل تحریم‌های برجامی در مقابل بازگشت ایران به تعهدات هسته‌ای، در شرایط کنونی جهان بهترین وضعیت ممکن و در دسترس بود، اما ایران در ابتدا به‌درستی با اضافه‌شدن هرگونه خواسته خارج از مفاد برجام در مذاکرات مخالفت کرد، ولی در مراحل پایانی مذاکرات با اضافه‌کردن خواست‌های خارج از موضوع برجام به‌عنوان شرط پذیرش توافق، به جابه‌جایی اولویت‌ها دست زد. درحالی‌که در مصالحه، باید از برخی حقوق به خاطر جوهره یک امتیاز واقعی صرف‌نظر کرد، ایران در احیای برجام، امتیازی واقعی و حیاتی یعنی رفع تحریم‌ها را به حقوقی که امکان کسب آن در فضای پس از احیای برجام دور از دسترس نبود، گره زد.

۵- «برای مصالحه هرگز نباید خود را در موقعیتی قرار داد که عقب‌نشینی از آن مایه آبروریزی باشد». اما دولت سیزدهم با اعلام یک درخواست خاص و غیربرجامی به‌عنوان شرط توافق، خط قرمزی تعریف کرد که از یک سو هزینه‌های احیای برجام را برای دولت بایدن بسیار بالا برد و از دیگر سو، عقب‌نشینی از این شرط را برای خود مصداق عبور از خطوط قرمزی تصویر کرد که به اعتبارش آسیب می‌زند.

۶- «برای مصالحه هرگز نباید به متحد خود اجازه بدهید برای شما تصمیم بگیرد». اما دولت ایران با منع خودساخته در مذاکره مستقیم با آمریکا، امکانی را برای فرصت‌طلبی روسیه فراهم کرد و اولیانوف به نمایندگی از دولت ایران در مقابل رابرت مالی نشست. جدای از اینکه نزدیکی ایران به غرب در تضاد آشکار با منافع استراتژیک روسیه قرار داشت، مشخصا در آغاز تجاوز روسیه به اوکراین، مذاکرات مستقیما تحت تأثیر روابط تنش‌آلود روسیه با غرب قرار گرفت و پس از تحریم روسیه، منافع اقتصادی ایران در بازارهای نفت، فولاد و... بیش از هر کشور دیگری از سیاست روسیه آسیب دید.

۷- و آخر اینکه «نیروهای مسلح ابزار سیاست خارجی هستند نه ارباب آن». اما در دولت سیزدهم نظامیان بیش از دولت‌های پیشین نقش‌آفرین سیاست خارجی بودند. آنها در دولت سیزدهم بیش از هر زمان دیگری این امکان را یافتند که ترجیحات خود را به سیاست خارجی دولت ترجمه کنند، بدون آنکه مشخصا مسئولیتی در قبال آن بر عهده بگیرند.

حسین امیرعبداللهیان در پایان مصاحبه با فرید زکریا گفت که «آقای بایدن باید تصمیم بگیرد که می‌خواهد وقت را تلف کند یا اینکه به تعهدات برجامی آمریکا برگردد... اما اگر این اتفاق هم نیفتد ما بالاخره در ایران در ۴۰ سال گذشته در مقابل این فشارها تحمل کرده‌ایم و حتما گزینه‌های دیگری روی میز داریم». این جملات وزیر خارجه مسئولیت بی‌سرانجامی احیای برجام را متوجه طرف آمریکایی می‌کند، اما درعین‌حال به‌نوعی از این جمله رئیس‌جمهور که «ما قرار است تصمیم‌های سخت بگیریم» نیز رمزگشایی می‌کند؛ تصمیمات سختی که تداوم سیاست خارجی کنونی را با وجود فشارها به هزینه عمومی امکان‌پذیر می‌کند.

آگهی فقدان سند مالکیت

متقاضی علی واحدی و شیبا عزیزی (هر دو مالک)آدرس شهرری دولت آباد خیابان شهید رجایی خیابان طبانی نبش کوچه صاحب الزمان پلاک ۲ با تسلیم چهار برگ استشهاد مصدق به شماره ۲۲۷۸۱۹۹۶۹۸۰۰۲ مورخ ۱۴۰۱/۳/۱ دفترخانه ۷۲ ری بشرح وارده ۴۰۰۶۶۵۳ مورخ ۱۴۰۱/۳/۱ اعلام نموده که شش دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۴۷۳۴۸ فرعی از ۱۲۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۴۳۰۱۱ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۱ واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک شهرری استان تهران به مساحت ۸۶/۷۴ متر مربع به انضمام پارکینگ قطعه ۴ به مساحت ۱۰/۸ متر به نام شیبا عزیزی فرزند رضا شماره شناسنامه ۴۱۰۳۳۳۵۰۶ تاریخ تولد ۱۳۷۲/۴/۲۹ صادره از ورامین دارای شماره ملی ۰۴۱۰۳۳۳۵۰۶ با جزء سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۷۸۲۳ تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۶ شهر شهرری استان تهران، موضوع سند مالکیت تعویضی به شماره چاپی ۷۳۷۴۷۰ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۲۴۰۳۵۷۹۰ ثبت گردیده است. مالکیت علی واحدی فرزند اسلام شماره شناسنامه ۱۳۱۴۱ تاریخ تولد ۱۳۶۷/۰۸/۱۲ صادره از ری دارای شماره ملی ۰۴۹۳۲۸۷۸۰۹ با جزء سهم ۳ از کل ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت۷۸۲۳ تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۶ شهر شهرری استان تهران موضوع سند مالکیت تعویضی به شماره چاپی ۷۳۷۴۷۱ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۲۴۰۳۵۷۹۱ ثبت گردیده است. محدودیت: محدودیت دفتر املاک: رهنی به شماره ۷۸۲۴ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۶ شهر شهرری استان تهران که به نفع بانک مسکن به مبلغ ۲،۸۶۰،۰۸۷،۳۹۲ ریال به مدت ۱۴۴ ماه ثبت شده به علت جابجایی منزل مفقود گردیده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد تا ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت و سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت راه طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

گیرندگان رونوشت: جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام
اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۱۸۹مورخ ۱۴۰۱/۱/۳۰ منضم به نامه شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۱۹۰ مورخ ۱۴۰۱/۱/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه آقای عباس زارع خورمیزی فرزند احمد بشماره شناسنامه ۵۴۹ متقاضی پرونده کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۰۱۱۴۷۰۰۰۳۰۹ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۳۵.۴۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ۵۱۰ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران انتقالی از قنبر علی تیموری که پلاک ۴/۱۱۵۲۳به آن تخصیص یافته محرز شده است و پلاک ۴/۵۱۰ سابقه ثبت در ذیل شماره ۷۳۰۷۶ صفحه ۶۹ دفتر املاک جلد ۴۹۰ دارد لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی میگردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام آقای عباس زارع خورمیزی صادر خواهد شد .م الف ۱۰۵۷۲ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران